



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی، تاریخ و مدرسی معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: جامعه شناسی

عنوان:

نقش فرد در ساختارهای اجتماعی از دیدگاه قرآن (با تاکید بر تفسیر المیزان و تسنیم)

استاد راهنما:

دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور:

دکتر شمس الله مریجی

نگارش:

زهرا سادات میرتاج‌الدینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت پاک چهارده ستاره فروزان آسمان عصمت و طهارت

که باطلو عشان ساختارهای اجتماعی اتحادی را در هم شکستند.

و هدیه ای است به:

مقام معظم رهبری که سخنان روشنگرانه شان انگیزه ایجاد این پژوهش شد.

تقدیر نامہ

اور اساکرم کہ توانایی ام داد

تا بتوانم این پروژہ را با فضل و عنایت او بہ ثمر رسانم. ہر چند شمرہ ہی کارم ملو از کاستی ہاست اما اگر آن را ارزشی باشد، بہ تمامی بزرگواری کہ راہنمایی ہی علمی آنان رہ کشایم بودہ میون، مستم و از استادان ارجمندم جناب آقای دکتر پارسانیا کہ بہ عنوان راہنما قبول زحمت فرمودہ و جناب آقای دکتر مہجی کہ مشاورہ این پایان نامہ را بر عہدہ داشتہ اند و با مساعدت ہی عالمانہ خود مرا در انجام آن یاری رساندہ اند کمال تشکر را دارم.

در پایان از تمامی عزیزان و فرزندان دلبندم کہ اگر ہمت و تلاش مضاعف آن ہان بود، این اثر ہرگز بہ وجود نمی آمد، صمیمانہ سپاسگزاری می نمایم.

بروژہ از ہمسر گرامیم کہ در تمامی مراحل تحصیل تنہا مشوق، ہمراہ و یاورم بودہ و کاستی ہا و تقایص مرا تحمل کردہ اند، بی نہایت قدر دانی می کنم.

چکیده

یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که در شناخت جامعه نقش تعیین کننده‌ای دارد، اصالت فرد یا جامعه و رابطه متقابل آنهاست. در پاسخ به این پرسش که «جامعه چیست؟»، می‌توان به سه رویکرد اشاره کرد: رویکرد اول جامعه را کلیتی ماورای افراد در نظر گرفته و آنرا فراتر از حاصل جمع افراد می‌داند، بنابراین جامعه ماهیتی ویژه دارد که نمی‌توان آن را با خصوصیات تک تک افراد جامعه مرتبط ساخت. مکاتب ساخت‌گرایی، کارکردگرایی و ستیزگرایی عمدتاً در ذیل چنین برداشتی از جامعه قابل فهمند. رویکرد دوم برآنست که جامعه چیزی جز برآیند افراد تشکیل‌دهنده آن نیست لذا هر پدیده اجتماعی در تحلیل نهایی پدیده فردی است. این رویکرد، جامعه را حاصل جمع کمی افراد می‌داند و حداکثر به مطالعه پدیده‌های اجتماعی در قالب روان‌شناسی اجتماعی می‌پردازد. مکاتبی همچون مبادله و رفتارگرایی به این برداشت از جامعه نزدیکند. رویکرد سوم، نه جامعه را واقعیتی ثابت و شی‌شده در خارج و نه آنرا حاصل جمع وجود تک تک افراد، بلکه حاصل یک فرآیند و ناشی از تداوم تعامل میان افراد و گروه-های اجتماعی می‌داند و لذا هر پدیده اجتماعی، نتیجه یک مجموعه روابط متقابل میان کنشگران است. جامعه در این حال واقعیتی سیال و هر لحظه در حال آفرینش است. دیدگاه‌های کنش متقابل نمادین، پدیدارشناسی و عاملیت ساختار در این نحله قرار می‌گیرند. دیدگاه قرآن به دلیل داشتن مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوت با این رویکردها متفاوت بوده و اصالت را از آن فرد و جامعه هردو می‌داند، انسان در بینش قرآن دارای فطرت الهی، آگاه، آزاد، مختار، مسئول و مکلف بوده و علی‌رغم وجود ساختارهای اجتماعی، تصمیم‌گیرنده نهایی، خود فرد است و حتی مامور به تغییر ساختارهای موجود می‌باشد.

واژگان کلیدی:

فرد، جامعه، اصالت، جامعه‌گرایی، فردگرایی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱
بخش اول: طرح تحقیق.....	۲
۱- بیان مساله:.....	۲
۲- اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش.....	۴
۳- پیشینه پژوهش.....	۷
۴- سؤال اصلی.....	۸
۵- سؤالات فرعی.....	۸
۶- اهداف پژوهش.....	۹
۷- پیش فرضهای پژوهش.....	۹
۸- روش پژوهش:.....	۹
۹- ابزار گردآوری اطلاعات.....	۱۰
۱۰- سازماندهی پژوهش.....	۱۰
بخش دوم: مفهوم شناسی.....	۱۲
۱-۲- نقش (Role):.....	۱۲
۲-۲- فرد (Agent):.....	۱۲
۱-۲-۲- انسان:.....	۱۳
۳-۲- ساختار اجتماعی (Social Structure):.....	۱۴
۴-۲- جامعه:.....	۱۴
۲-۴-۱- واژه‌های مترادف با مفهوم جامعه در قرآن.....	۱۵

- ۱۵.....۲-۴-۱-۱- قوم:.....
- ۱۶.....۲-۴-۱-۲- قریه:.....
- ۱۶.....۲-۴-۱-۳- ناس:.....
- ۱۶.....۲-۴-۱-۴- ملت:.....
- ۱۷.....۲-۴-۱-۵- امت:.....
- ۱۷.....۲-۴-۱-۶- طائفه:.....
- ۱۸.....۲-۵- اصالت:.....
- ۱۸.....۲-۵-۱- اصالت به مفهوم فلسفی؛.....
- ۱۸.....۲-۵-۲- اصالت به مفهوم حقوقی؛.....
- ۱۹.....۲-۵-۳- اصالت به مفهوم اجتماعی؛.....
- ۲۰.....۲-۶- اقسام ترکیب جامعه:.....
- ۲۰.....۲-۶-۱- ترکیب اعتباری جامعه:.....
- ۲۰.....۲-۶-۲- ترکیب حقیقی جامعه:.....
- ۲۲..... **فصل دوم: دیدگاه‌های نظری در باره فرد و جامعه**
- ۲۳..... مقدمه
- ۲۴..... ۱- فراتحلیل چیست؟.....
- ۲۴..... ۲- انگاره چیست؟.....
- ۲۷..... **بخش اول: دیدگاه متفکران غربی در باره فرد و جامعه**
- ۲۷..... مبانی معرفتی غرب
- ۲۷..... ۱-۴-۱- هستی‌شناسی: «سکولاریسم».....
- ۲۸..... ۱-۴-۲- معرفت‌شناسی: «روشنگری».....
- ۲۹..... ۱-۴-۳- انسان‌شناسی: «امانیسم».....
- ۳۰..... تاثیر مبانی معرفتی غربی بر نظریه‌پردازی‌های اجتماعی.....
- ۳۰..... ۱- روش‌شناسی: «غلبه حسگرایی یا پوزیتیویسم».....
- ۳۰..... ۲- جداسازی ارزش از واقعیت.....

- ۳- نسبت گرای ارزشی ۳۱
- ۴- فردگرایی ۳۱
- ۵- ظهور لیبرالیسم ۳۲
- گفتار اول: اصالت جمع یا انگاره جامعه‌گرایی ۳۲
- ۱-۱-۱ ادعای انگاره جامعه‌گرایی ۳۴
- ۱-۱-۲ وجود جامعه از دیدگاه متفکران جامعه‌گرا: ۳۴
- ۱-۲-۱-۱ مونتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) ۳۴
- ۱-۲-۱-۲ اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸) ۳۵
- ۱-۲-۱-۳ امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) ۳۶
- ۱-۲-۱-۴ رهیافت کلی دورکیم: ۳۹
- ۱-۳-۱-۱ رویکردهای نظری مبتنی بر جامعه‌گرایی: ۴۰
- ۱-۳-۱-۲ ساختارگرایی ۴۰
- ۱-۳-۱-۳ کارکردگرایی ۴۱
- ۱-۳-۱-۴ ستیزگرایی ۴۲
- ۱-۴-۱ اشکالات وارد بر نظریه جامعه‌گرایی: ۴۲
- گفتار دوم: اصالت فرد یا انگاره فردگرایی ۴۳
- ۱-۲-۱ فردگرایی در حوزه اجتماع: ۴۴
- ۲-۲-۱ ادعای انگاره فردگرایی ۴۵
- ۳-۲-۱ وجود جامعه از دیدگاه متفکران فردگرا ۴۵
- ۱-۳-۲-۱ اسپنسر (۱۹۰۳-۱۸۲۰) ۴۵
- ۲-۳-۲-۱ ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) ۴۶
- ۳-۳-۲-۱ جورج زیمل (۱۹۱۸-۱۸۵۸) ۴۷
- ۴-۲-۱ رویکردهای نظری مبتنی بر فردگرایی ۴۸
- ۱-۴-۲-۱ رفتارگرایی ۴۸
- ۲-۴-۲-۱ مبادله ۴۹

- ۴۹-۱-۲-۵- اشکالات وارد بر نظریه فردگرایی ۴۹
- گفتار سوم: اصالت فرد و جامعه یا انگاره تعاملی و تلفیقی ۵۱
- ۱-۳-۱- رویکردهای مبتنی بر انگاره تعاملی تلفیقی ۵۲
- ۱-۳-۱-۱- موج اول: ۵۲
- ۱-۳-۱-۱-۱- کنش متقابل ۵۲
- ۱-۳-۱-۱-۲- پدیدار شناسی ۵۴
- ۱-۳-۱-۱-۳- اگزستانسیالیسم یا جامعه شناسی وجودی: ۵۶
- ۱-۳-۲- موج دوم: ۵۷
- ۱-۳-۲-۱- عاملیت ساختار یا دیالیتیک فرد و جامعه ۵۷
- بخش دوم: دیدگاه متفکران مسلمان درباره فرد و جامعه** ۶۱
- مبانی معرفتی اسلام: ۶۱
- ۱-۴-۲- هستی شناسی: «قدسی و توحیدی» ۶۱
- ۲-۴-۲- معرفتشناسی: «رئالیسم توحیدی» ۶۲
- ۲-۴-۳- انسان شناسی اسلام: «مبتنی بر فطرت الهی» ۶۲
- گفتار اول: اصالت جامعه یا انگاره جامعه‌گرایی ۶۳
- گفتار دوم: اصالت فرد یا انگاره فردگرایی ۶۴
- ۱-۲-۲- آیت الله مصباح یزدی (۱۳۱۳) ۶۴
- گفتار سوم: اصالت فرد و جامعه یا انگاره تعاملی تلفیقی ۶۶
- ۱-۳-۲- علامه طباطبایی (۱۳۶۰-۱۲۸۱) و شهید مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸) ۶۶
- فصل سوم: دیدگاه قرآن در باره فرد و جامعه** ۷۰
- مقدمه ۷۱
- بخش اول: انسان از دیدگاه قرآن** ۷۳
- گفتار اول: ماهیت انسان ۷۳
- ۱-۱-۱- حقیقت وجودی انسان: ۷۴
- ۱-۱-۲- انسان و معاد ۷۵

- ۱-۱-۲-۱- رابطه بین عمل انسان و حیات ابدی.....۷۶
- گفتار دوم: نظریه فطرت یا سرشت مشترک انسانی.....۷۷
- ۱-۲-۱- تعریف فطرت.....۷۸
- ۱-۲-۲-۱- تقسیم‌بندی فطرت.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- ادراکات و شناختها؛ فطریات نظری.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- خواسته‌ها و گرایش‌ها؛ فطریات عملی.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- گرایش‌های فطری مثبت.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- خداجویی.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- کمال جویی.....۸۰
- ۱-۲-۲-۱- وجدان.....۸۱
- ۱-۲-۲-۱- خودآگاهی.....۸۱
- ۱-۲-۲-۱- شناسایی خوب و بد.....۸۱
- ۱-۲-۲-۱- کرامت و شخصیت.....۸۲
- ۱-۲-۲-۱- مسئولیت و تکلیف.....۸۳
- ۱-۲-۲-۱- آزادی، اراده و اختیار.....۸۳
- ۱-۲-۲-۱- هدایت.....۸۴
- ۱-۲-۲-۱- خلافت.....۸۵
- ۱-۲-۲-۱- گرایشهای فطری منفی.....۸۵
- ۱-۲-۲-۱- شتابزدگی و مجادله‌گری.....۸۶
- ۱-۲-۲-۱- حرص و بخل.....۸۷
- ۱-۲-۲-۱- ضعف و ناتوانی.....۸۷
- ۱-۲-۲-۱- نفس اماره.....۸۸
- نتیجه.....۸۹
- ۱-۲-۳- دو مسئله متفرع بر پذیرش فطرت.....۸۹
- ۱-۳-۲- قرآن و مساله از خودبیگانگی انسان.....۹۰

- ۹۰-۲-۳-۲-۱- شکلگیری هویت و شخصیت انسان.....
- ۹۰-۲-۳-۲-۱- فطرت و شکلگیری هویت فردی.....
- ۹۲-۲-۳-۲-۱- چگونگی تاثیر ساختارها بر انسان.....
- ۹۳-۲-۳-۲-۱- نقش فرد در تغییر ساختارهای اجتماعی...۹۳
- ۹۳-۲-۳-۲-۱- جایگاه عمل انسان در نظام هستی ۹۳
- ۹۵- نتیجه.....
- ۹۵- گفتار سوم: مصادیق قرآنی تاثیر فرد بر جامعه.....
- ۹۶-۱-۳-۱- تاثیر نخبگان.....
- ۹۶-۱-۳-۱- پیامبران؛ نخستین منادیان اجتماع، ایجاد وحدت و اختلاف زدایی.....
- ۹۷-۱-۳-۱- تاثیر قدرتمندان سیاسی بر جامعه.....
- ۹۹-۲-۳-۱- اجرای اوامر و فرامین اجتماعی الهی.....
- ۱۰۰-۱-۲-۳-۱- جهاد.....
- ۱۰۰-۲-۲-۳-۱- امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۱۰۱-۳-۲-۳-۱- مشورت.....
- ۱۰۲-۳-۳-۱- جلوه‌هایی از اعمال اراده انسان.....
- ۱۰۲-۱-۳-۳-۱- حضرت موسی(ع).....
- ۱۰۳-۲-۳-۳-۱- آسیه همسر فرعون.....
- ۱۰۳-۳-۳-۳-۱- مومن آل فرعون.....
- ۱۰۴-۴-۳-۳-۱- ایمان آوردن ساحران.....
- ۱۰۵-۵-۳-۳-۱- مومن آل یس.....
- ۱۰۷- بخش دوم: جامعه از دیدگاه قرآن.....
- ۱۰۸- گفتار اول: ویژگیهای جامعه.....
- ۱۰۸-۱-۱-۲- آیات قرآنی موید اصالت جامعه.....
- ۱۱۱-۲-۱-۲- ماهیت جامعه.....

- ۱۱۳ ۲-۱-۳- هویت جامعه
- گفتار دوم: نقش افراد در تغییر ساختارهای اجتماعی از دیدگاه قرآن ۱۱۴
- ۱-۲-۲- ستهای اجتماعی ۱۱۴
- ۲-۱-۲-۲- سنت تغییر جوامع بر اساس تغییر فرهنگ ۱۱۵
- ۲-۱-۲-۲- سنت ظهور و سقوط امتهای ۱۱۵
- ۲-۲-۲- عوامل موثر بر تغییر جوامع ۱۱۵
- ۱-۲-۲-۲- عوامل شکوفایی جامعه ۱۱۶
- ۱-۱-۲-۲-۲- سهم وحی الهی در تعالی جامعه ۱۱۶
- ۲-۱-۲-۲-۲- اتحاد و وحدت ۱۱۶
- ۳-۱-۲-۲-۲- صبر و استقامت ۱۱۷
- ۴-۱-۲-۲-۲- محبت و تالیف قلوب ۱۱۷
- ۵-۱-۲-۲-۲- امر به معروف و نهی از منکر ۱۱۸
- ۲-۲-۲-۲- عوامل انحطاط جامعه از نگاه قرآن ۱۱۸
- ۱-۲-۲-۲-۲- اختلاف و تفرقه ۱۱۸
- ۲-۲-۲-۲-۲- ظلم و تعدی به حقوق دیگران ۱۱۸
- ۳-۲-۲-۲-۲- جهل ۱۱۹
- ۴-۲-۲-۲-۲- اسراف و تبذیر ۱۱۹
- ۵-۲-۲-۲-۲- رفاهطلبی و زیادهخواهی ۱۲۰
- ۶-۲-۲-۲-۲- تقلید غیرمحققانه ۱۲۰
- ۷-۲-۲-۲-۲- کفر و انکار حقیقت ۱۲۱
- گفتار سوم: مصادیق قرآنی تاثیر جامعه بر افراد ۱۲۲
- ۱-۳-۲- تاثیر ساختار اجتماعی بر افراد ۱۲۳
- ۱-۱-۳-۲- رابطه عصبیت و تجاوزگری ۱۲۳
- ۲-۱-۳-۲- پسر نوح(ع) و همسران نوح و لوط علیهماالسلام ۱۲۳
- ۳-۱-۳-۲- گوسالهپرستی بنیاسرائیل ۱۲۴

۲-۳-۲- ضرورت حفظ و تقویت ارزش های درونی شده با دوری از محیط	
اجتماعی فاسد.....	۱۲۵
۲-۳-۲-۱- اصحاب کهف.....	۱۲۵
۲-۳-۳- وجود رابطه دیالیتیک بین کنش و ساختار.....	۱۲۵
جمع بندی و نتیجه گیری	۱۲۹
ره آورد.....	۱۳۱
الگوی نظری نقش فرد در ساختارهای اجتماعی.....	۱۳۵
الگوی نظری نقش فرد در ساختارهای اجتماعی.....	۱۳۶
راهکارها و پیشنهادات.....	۱۳۷
فهرست منابع	۱۳۹
الف) منابع اصلی.....	۱۴۰
۱- کتابها.....	۱۴۰
۲- مقالات.....	۱۴۳
۳- پایان نامه.....	۱۴۳
ب) منابع پژوهشی.....	۱۴۴
۱- کتابها.....	۱۴۴
۲- مقالات.....	۱۴۵

فصل اول:

کلیات و مفاهیم

بخش اول: طرح تحقیق

۱- بیان مساله:

مساله اصالت فرد یا جامعه از مسایل محوری و بنیادین جامعه‌شناسی به‌شمار می‌رود، زیرا اگر قایل به اصالت هر کدام از طرفین یا اصالت هر دو طرف باشیم، در آن صورت ملزومات و احکام خاصی بر هر کدام از سه شق بار می‌شود که بر نحوه استنباط و تحلیل ما از کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی موثر خواهد بود. در واقع ارتباط این موضوع با بعضی از مباحث جامعه‌شناسی، یک ارتباط مبنایی و ریشه‌ای است. به عبارت واضح‌تر، بدون نقد و بررسی موضوع اصالت فرد یا جامعه و بدون داشتن یک جهت‌گیری خاص در مورد آن، پرداختن به موضوعات دیگر جامعه‌شناسی و ارائه نظریه درباره آن‌ها، فاقد استحکام منطقی است. بعضی از جامعه‌شناسان هم به اهمیت این موضوع اعتراف نموده و برای آن نقش زیربنایی قایل شده‌اند. الکس اینکلس در این زمینه می‌گوید:

«هرگاه ما چنین پنداریم که جامعه، مخصوصاً برای تامین نیازمندی‌های فرد به وجود آمده است، مطالعات ما درباره مسایل مهم جامعه‌شناسی به صورت خاص در می‌آید و برعکس، هرگاه مقرر کنیم جامعه، نخستین هدف حیات است و فرد برای تامین نیازمندی‌های جامعه به‌وجود آمده است، چگونگی مطالعات ما به کلی تغییر می‌کند.»^۱

به‌طور کلی پاسخ‌های داده شده به این سوال را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱- مارکس اینکلس، جامعه‌شناسی چیست؟، مشفق همدانی، تهران، سیمرخ، ۱۳۵۳، ص ۵۶

جامعه‌گرایی:

کسانی که اصالت را از آن جامعه دانسته و فرد را تابع آن می‌دانند معتقدند که چون هر فرد انسانی در مرحله‌ای از تاریخ، در جامعه‌ای متولد شده و از همان نخستین روز هویتش در آن جامعه شکل می‌گیرد، محیط اجتماعی‌اش در تعیین طرز فکر او تأثیری تام دارد و هیچ رفتار صرفاً فردی نداشته، تمام افکار و احساسات و تصمیم‌های او تحت تأثیر اوضاع اجتماعی رخ- می‌دهد و اراده فرد توانایی ایستادگی در برابر جامعه را ندارد، بلکه همواره تابعی از آن است (روسک، ۱۳۵۵: ص ۳۳۳).^۱

فردگرایی:

در برابر آن‌ها اتمیست‌ها (فردگرایان) بر این اندیشه پا می‌فشارند که، افراد عاملان خودراهر هستند، لذا صفات و فعالیت‌های افراد (از جمله تمنیات، انگیزه‌ها و انتخاب‌های آنان) را در کانون توجه قرار می‌دهند تا از آن راه بتوانند رفتار انسانی را توضیح بدهند. در نظر اتمیست‌ها جامعه نهایتاً شاکله‌ای از افراد تشکیل‌دهنده آن است، به همین دلیل آنان معتقدند که کل‌های اجتماعی قابل تقلیل به فعالیت افراد تشکیل‌دهنده آن‌ها هستند و بر همین اساس می‌توان این کل‌های اجتماعی را توضیح داد، همان‌گونه که فردریش فون هایک می‌نویسد:

«برای فهم پدیده‌های اجتماعی، راه دیگری جز فهم اعمال افراد در قبال دیگران که بر اساس رفتار قابل انتظار از آن‌ها صورت می‌گیرد، وجود ندارد (فون هایک، ۱۹۴۹: ۶).»^۲

تعاملی یا تلفیقی:

دیدگاه سوم که به رویکرد تلفیقی یا تعاملی مشهور است، آن دسته از نظریه‌پردازانی هستند که هم انسان را موجودی هدفمند، دارای آگاهی، ادراک و تأثیرگذار بر ساختارهای اجتماعی دانسته و هم ساختارها را فرم‌دهنده و سازمان‌بخش کنش‌ها و روابط انسانی می‌دانند،

۱- حسین سوزنجی، اصالت فرد یا جامعه یا هر دو؟، قیاسات، شماره ۴۲، سال ۱۱ (زمستان ۱۳۸۵)، ص ۴۵

۲- برایان فی، فلسفه امروزی علوم اجتماعی، خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۶، ص ۵۹

لذا برای تبیین کنش‌های اجتماعی از نظریه‌های تعاملی تلفیقی عاملیت- ساختار، استفاده می‌کنند.

از آن‌جا که ما جامعه‌ای مسلمانیم و باید مسایل اجتماعیمان را با رویکرد اسلامی تحلیل و تبیین نماییم، ناگزیریم که نظر اسلام را در مورد مسایل اساسی و بنیادین جامعه‌شناسی از جمله فرد و جامعه به‌دست آوریم، و به لحاظ این که قرآن «تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ»^۱ است و معتبرترین منبع دین اسلام می‌باشد، پژوهش حاضر با این هدف کلی طراحی شده است که امکان و تحقق تاثیر فرد بر ساختارهای اجتماعی را بررسی کرده، و در نهایت به این سوال پاسخ گوید که نقش فرد در ساختارهای اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟ آیا خداوند فرد را در برابر ساختارهای اجتماعی مجبور و مسلوب‌الاختیار می‌داند و یا این که او را در برابر جامعه و تاثیرگذاری بر آن تشویق می‌نماید؟

۲- اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش

علوم اجتماعی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی علمی است که موضوع مورد مطالعه آن‌ها کنش، روابط و تعاملات افراد و گروه‌ها در بستر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه است.^۲ در این دسته از علوم در وهله اول، واقعیت موجود در حوزه علوم اجتماعی مورد نظر شناخته می‌شود و در مرحله بعد، بر اساس تصویر فرهنگی مطلوب و آرمانی مورد وفاق جامعه، نسبت به ارایه راه‌کارها و پیشنهادهایی برای رسیدن به اهداف جامعه اقدام گردد. بدیهی است که تصویر فرهنگی مطلوب یک جامعه مستخرج از عناصر بنیادینی است که فرهنگ غالب آن جامعه را شکل می‌دهد که می‌تواند شامل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان-شناسی، اعتقادات و ارزش‌های آن جامعه باشد.

بنابراین، شناخت و تبیین دقیق هر یک از این مولفه‌ها می‌تواند نقش به‌سزایی در دستیابی به یک تصویر روشن‌تر از وضعیت فرهنگی مورد انتظار جامعه ایفا کرده و حرکت در

۱ - سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۹

۲ - حمید پارسا، چستی علوم اجتماعی، هفته‌نامه پنجره، شماره ۱۸، ۱۶ آبان ۱۳۸۸

جهت نیل به اهداف آن جامعه را تسهیل نماید. با توجه به این مطلب، ضروری به نظر می‌رسد که برای بسط علوم اجتماعی در هر جامعه، به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی فرهنگ آن نیز توجه نمود تا گام‌های بعدی توسعه آن علوم روشن‌تر و متناسب با فضای ارزشی آن جامعه طی شود.

همان‌طور که می‌دانید با این که ما در دهه سوم انقلاب اسلامی قرار داریم ولی هنوز تحول فرهنگی در جامعه ایران در آغاز راه است و بعد از انقلاب هنوز دگرگونی همه‌جانبه‌ای در عرصه‌ی فرهنگ تخصصی علوم انسانی و اجتماعی و سایر بخش‌ها صورت نداده است و عمدتاً همان ادبیات و فرمول‌های علمی و فرهنگی متداول، که برآمده از تمدن غرب است، به رسمیت شناخته می‌شوند و با آن به سامان‌دهی و اداره جامعه می‌پردازند. همین امر، تعارض و تناقض میان آرمان‌های جامعه اسلامی با علوم و تئوری‌های نظری و کاربردی غربی را بارز کرده و شکاف نظری عمیقی را در متن جامعه پدید آورده است.

این چالش و تقابل، که نوعی ناسازگاری میان اهداف انقلاب اسلامی با چارچوب‌ها و ساختارهای فکری بیگانه است، از همان آغاز مورد توجه بنیان‌گذار فرزانه جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) قرار داشت، به‌طوری که ایشان موضوع انقلاب همه‌جانبه فرهنگی را با بیانی عمیق و استراتژیک خطاب به مسئولان و اندیشمندان طرح فرمودند.

همچنین تأکیدات رهبر معظم انقلاب (مدظله) بر ضرورت مولد بودن حوزه و دانشگاه هم به همین جهت است، «تا دانشگاه و محافل دینی، مولد نشوند، نمی‌توانند فرهنگ را به طرف علوم اسلامی تغییر جهت دهند.» بنابراین گام دوم انقلاب این است که، مفاهیم بنیادین حوزه و دانشگاه تکامل یابند، زیرا «فلسفه‌ای که کاری به کنترل عینیت نداشته باشد، مناسبات و تنظیمات اجتماعی را به فلسفه رقیب واگذار می‌کند. باید ارزش‌ها، هنجارهای اخلاقی و نظم اجتماعی مورد قبول اسلام را با روش متقن و براساس وحی بدست آورد.»^۱

به همین دلیل، ایجاد تغییر در علوم انسانی متعارف، که چتر خود را بر همه ابعاد و اجزا

۱ - سید محمد مهدی میرباقری، چگونگی تحول در علوم انسانی، کیهان، شماره ۱۹۵۱۳، دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۸۸، ص ۶

زندگی بشر گسترده‌اند، از محورهای مهم انقلاب فرهنگی در حیطه انقلاب اسلامی شمرده می‌شود.

تحول در علوم انسانی، امتداد انقلاب فرهنگی

از آن‌جا که علوم انسانی رایج، علوم انسانی غیر توحیدی بوده و برپایه تعاریف و نگرش مادی و زمینی به رابطه‌ی انسان و جهان، فرمول‌بندی شده‌اند که احاطه و یا درک روشنی از مخلوقیت، مفطوریت و مربوبیت همه ابعاد وجودی انسان و جهان ندارند و به‌وضوح، با رویکرد توحید محور در زمینه رابطه انسان جهان و خداوند متعال ناهماهنگ و ناسازگارند و از عقلانیت خودبنیاد، دنیازده و منطق دور از وحی، نشأت می‌گیرند که زائیده گرایش‌های اومانیستی هستند. بر همین اساس و به جهت تقابلی که فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب دارد، اگر علوم انسانی غربی مبدا و منشا برنامه‌ریزی برای کشور قرارگیرد، بحران‌های عمیق اجتماعی پدید می‌آورد و دستاوردهای انقلاب اسلامی با تهدید مواجه خواهند شد، البته باید به خاطر - داشت که تمدن غیردینی غرب در حوزه علوم انسانی مادی پیشرفت زیادی داشته و کوشیده - است تا ساختارها و مقررات اداره جامعه بشری را برآن پایه ساخته و تنظیم کند و در نهایت نظام لیبرال دموکراسی را به مثابه حکومت آرمانی در سطح بین‌المللی و جهانی بر ملت‌ها تحمیل نماید. در این شرایط و با توجه به آثار سوء مبنا‌قر دادن علوم انسانی غربی و محدودیت‌های معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی این علوم، ما باید نسبت به نوآوری، فرآوری و تحقیق جدی در مفاهیم، قواعد و چارچوب‌های این علوم همت گماشته و با تکیه بر عقلانیت دین محور و بهره‌گیری متقن از معارف کامل و جامع قرآن مجید و اهل بیت علیهم‌السلام مبانی و مسایل علمی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و ... را از نو صورت‌بندی کرد. بر این اساس تولید علوم انسانی اسلامی که به‌جای علوم انسانی غربی بنشیند از اهمیتی والا در فرآیند انقلاب فرهنگی و توسعه و تعالی حکومت دینی برخوردار است^۱.

۱- همان

از جمله مسایل اساسی و بنیادین که پایه و اساس نظریات جامعه‌شناختی را تشکیل می‌دهد، مساله جبر و اختیار فرد در مقابل جامعه و به عبارت دیگر، جبر و اختیار روح فردی در مقابل روح جمعی است که در بین دانشمندان جامعه‌شناس به خصوص در قرن اخیر مطرح شده است.

نوع پاسخ‌گویی به این پرسش در دانش اجتماعی و علم جامعه‌شناسی، بر نحوه تبیین بسیاری از مسایل اجتماعی مؤثر بوده، لوازم، آثار و پیامدهای مهمی در تحلیل آن‌ها دارد مانند بحث درباره نظریه‌های مدنی بالطبع دانستن (یا ندانستن) انسان، قبول فطرت فردی و جمعی برای انسان، قبول غایت واقعی برای جامعه و به تبع آن تبیین اجتماعی مسئله امامت و حکومت دینی، تکامل اجتماعی انسان، مهدویت و ...

بنابراین این پژوهش با هدف رفع خلاء تبیینی دیدگاه قرآن راجع به انسان و ساختارهای اجتماعی که در آن زیست می‌کند و بر طرف کردن کاستی‌های موجود در ادبیات مربوط به این حوزه تدوین شده است و در صدد است که نشان دهد که چگونه مفاهیم هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی قرآن در تدوین، تکوین و نقد نظریه‌های جامعه‌شناسی مؤثر بوده و خنثی عمل نمی‌کنند و در واقع اثبات نماید که نظریات اسلامی و بر اساس آن‌ها علوم انسانی اسلامی متفاوت از علوم انسانی غربی هستند و بنابراین تولید علم دینی معنادار خواهد بود. بدان امید که توانسته باشیم گامی هرچند کوتاه، در ترسیم مبانی نظری علوم انسانی در اسلام برداریم.

۳- پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع رساله که از دو بخش جامعه‌شناختی و قرآنی تشکیل شده است، جستجوها و تحقیقاتی راجع به سابقه موضوع انجام شد و مشخص شد که منابع جامعه‌شناسی قابل توجهی پیرامون رابطه فرد و جامعه، ساختار اجتماعی، نظریه‌های ساختی کارکردی و عاملیت ساختار وجود دارند که اکثراً به صورت کتاب‌های نظریه‌های جامعه‌شناسی، برخی به صورت تالیف و بیشتر به صورت ترجمه می‌باشند، اما این که کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌ای با موضوع ساختارهای اجتماعی از دیدگاه قرآن و یا نقش فرد در ساختارهای اجتماعی از دیدگاه